

## ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن اسلامی

این مقاله بصورت فشرده از روی مجموعه مکتوب بالندگی و اعتلای مجدد تمدن اسلامی در عصر نظام اسلامی تهیه شده در گروه معارف اداره کل پژوهش معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تدوین گردیده است.

### چکیده

در این مقاله ابتدا تمدن از دیدگاه ویل دورانت، برخی از حکما و فلاسفه اسلامی توصیف گردیده و ارکان آن از دیدگاه اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به تفسیر عوامل ایجاد کننده تمدن و عوامل انحطاط آن از دیدگاه اندیشمندان مختلف بخصوص متفکرین مسلمان بررسی شده و زمینه های تجدید حیات تمدن اسلامی توسط جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفته است. سرانجام به بررسی دیدگاه های بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در خصوص تمدن و نحوه اعتلای مجدد تمدن اسلامی پرداخته ایم.

واژه های کلیدی: تمدن، انحطاط و اعتلا، انقلاب اسلامی، ایران و اسلام، تمدن اسلامی

علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق دهد. تمدن تابع عواملی چند است که یا سبب تسریع در حرکت آن

می شود یا آن را از سیری که دارد باز می دارد. [۱]

### مقدمه

ویل دورانت تمدن را در شکل کلی، نظم اجتماعی می داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده و جریان می یابد. به عقیده وی « در تمدن، چهار رکن اساسی را می توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن، هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و نا امنی پایان پذیرفته باشد، هنگامی از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و نیاز به ابداع و اختراع به وجود می آید و انسان خود را تسلیم غریزه و فطرت می کند تا او را به شکل طبیعی به راه کسب

### ۱. عوامل کلی تمدن و عوامل تولید تمدن

از دیدگاه ویل دورانت عوامل کلی تمدن عبارتند از:

۱. عوامل جغرافیایی
۲. عوامل زمین شناختی
۳. عوامل اقتصادی
۴. عوامل نژادی
۵. علل روانی
۶. علل انحطاط و اضمحلال



و عوامل تولید تمدن عبارتند از :

• عوامل اقتصادی تمدن مشتمل بر موضوعات

- از شکار تا برزگری
- شالوده های صنعت
- سازمان اقتصادی

ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در ...

• عوامل سیاسی تمدن مشتمل بر موضوعات

- منشاء حکومت
- دولت
- قانون
- خانواده

• عوامل اخلاقی تمدن مشتمل بر موضوعات

- ازدواج
- اخلاق جنسی
- اخلاق اجتماعی
- دین

• عوامل عقلی و روحی تمدن مشتمل بر موضوعات

- ادبیات
- علم
- هنر

تلقی کرد. هنری لوکاس در کتاب تاریخ تمدن خود بدین ترتیب نقش بنیادین و انحصاری اقتصاد را در ساخت و ساز تمدن‌ها نفی می‌کند. در همین مورد آلفرد وبر ضمن آنکه تمدن را محصول علم می‌داند، اولویت سازمان زندگی مادی را در تعیین نظام معناها و ارزش‌ها (که اساساً متأثر از تفکر مارکسیستی است) قبول ندارد. [۲]

در قرون گذشته بسیاری از فلاسفه اسلامی در بحث حکمت نظری و عملی از مدائن فاضله و فاسقه و اساساً مدنیت و نحوه وصول به سعادت جوامع انسانی سخن گفته‌اند و تدبیر دولت و نحوه دستیابی به جوامع منتج به سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها مورد التفاتشان بوده است، لذا ارکان اربعه تمدن از اصطلاحات حکمت عملی است. به عنوان نمونه جلال‌الدین دوانی در مقام بیان اجتماعات و ترکیبات مدینه فاضله و بیان اقسام مدن می‌گوید: هر تمدن درستی را چهار رکن (چهار پایه یا چهار اصل) به وجود آورد که متشکل از اهل علم و فضا، اهل شمشیر و لشکریان، اهل معامله و تجارت، اهل زراعت و فلاحت می‌باشند. [۳] که در اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی تحت عنوان ارکان مدینه فاضله مورد بحث قرار گرفته است. [۴] بنابراین آراء، مردم مدینه فاضله پنج صنف‌اند:

اول جماعتی باشند که به تدبیر مدینه موسوم می‌باشند و ایشان اهل فضائل و حکمای کامل باشند که به قوت تعقل و آراء صائبه در امور از ابناء نوع خود متمایز باشند و این دسته را *فاضل* خوانند

دوم جماعتی باشند که عوام و فروتران را به مراتب کمال اخلاقی می‌رسانند و عموم اهل مدینه را به آنچه معتقد طایفه اول بود دعوت می‌کنند تا هر که مستعد بود به مواعظ و نصایح ایشان از درجه خود ترقی می‌کنند و ایشان را *ذوالالسنه* گویند.

سوم جماعتی که قوانین عدالت در میان مدینه نگاه می‌دارند و در اخذ و اعطاء تقدیر واجب رعایت می‌کنند و بر تساوی و تکافی تحریص می‌دهند و ایشان را *مقدران* خوانند.

ارکان یا عوامل تولید تمدن از دید آرنولد توین‌بی محصول اقلیت مبتکر و نوآور است و برخی مانند الفرد وبر آن را محصول علم و تکنولوژی می‌دانند. افرادی نیز کشف‌های نو و ایده‌های جدید را از جمله عوامل اصلی تشکیل‌دهنده تمدن می‌دانند و لذا شهرنشینی را (جز در موارد استثنایی تاریخ) از لوازم ضروری آن به شمار می‌آورند. برخی با نگاه و رهیافت ماتریالیسم دیالکتیکی، تمدن را به زیربنای اقتصادی متصل می‌کنند، پلخائف از جمله این افراد است. اما اگرچه برخی دیگر جستجوی علت‌های اقتصادی برای فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را می‌پذیرند اما معتقد هستند که نمی‌توان هم صدا با «مارکس» اساس اصلی تمدن را اقتصاد یا تکنیک دانست و تمامی مفاهیم دین، هنر، فلسفه، حکومت و قراردادهای اجتماعی و سازمان تجاری یک تمدن را محصولات ضروری آن



چهارم جماعتی باشند که به حفظ حریم جماعت بیضه اهل مدینه موسوم باشند و ارباب مدن غیر فاضله را از ایشان منع می‌کنند و در مقاتلت و محافظت شرایط شجاعت و حمیت مرعی می‌دارند و ایشان را مجاهد خوانند.

پنجم جماعتی ارزاق این اصناف را ترتیب می‌سازند ایشان را **مالیان** خوانند. [۵]

## ۱.۱. دین‌باوری و خدامداری، رکن اصلی تمدن اسلامی و

### شرط اساسی تجدید اعتلای آن

چنین به نظر می‌رسد که در تبیین علل و عوامل موجد تمدن‌ها پیچیدگی‌های عمیقی وجود دارد تا بدان‌جا که حتی در تعیین جایگاه علت‌ها و معلول‌ها تفاوت گسترده آراء به چشم می‌خورد. با این حال سیری در مجموعه نظرات متفکرین اسلامی درباره تمدن و فرهنگ اسلامی مبین این واقعیت و نقطه مشترک است که «خدامداری و وحی اسلامی (و نه انسان‌مداری) اساس و بنیاد تمدن اسلامی است و دین همه مظاهر تمدن و فرهنگ را در بر می‌گیرد». کلیه نقطه‌نظرات متفکرین اسلامی در مورد ارکان تمدن و راه‌های نیل به اعتلاء تمدن اسلامی هرچند ممکن است در واژه‌ها و مفاهیم و نوع راه‌ها دارای تنوع باشد ولی همگی مبتنی بر ویژگی اساسی خدامداری این تمدن بوده و در حوزه و قالب ضرورت اتصال به عالم ربوبی و عالم معنی مطرح می‌گردند. و همگی علت اصلی بحران و افول تمدن غرب را در جایگزینی انسان به جای خدا و فردیت پرستی می‌بینند.

اساساً واقعیت این است که پایه و اساس همه علوم و فنون به ویژه فلسفه و علوم عقلی که پدر همه علوم به شمار می‌رود، مذاهب بوده‌اند و این مسأله‌ای است که اسناد تاریخی هم آن را تأیید می‌کنند. تفکر درباره مبدأ آفرینش و چرایی‌ها در عالم هستی بی‌تردید مربوط به مذاهب و اعتقادات مذهبی است؛ هرچند که مراحل ابتدایی و ساده‌اندیشی‌های مذهبی در سطح بت‌پرستی و ستایش نیروهای نامرئی و جن و پری

باشد، اما به هر حال نخست در مشرق‌زمین متجلی شده و اصولاً این مشرق‌زمین است که در آن روزگاری که غرب در جهل و ظلمت و ابهام فرو رفته بود، گاهواره تمدن بود. [۶] فرید وجدی در تاکید بنیادین بودن نقش دین و معنویت برای تأسیس تمدن در کتاب خویش «دین در عصر دانش» می‌نویسد:

تمدن با هر سرزمینی سازگار و با هر نژادی قابل دوام است ولی در سرزمینی که ارکان تمدن یکنواخت و هماهنگ باشد یعنی نیروی مادی و معنوی، قوای جسمی و روحی به طور مساوی تکامل پیدا کنند و در راه آن کوشیده شود، تمدن می‌تواند در راه ترقی گام بردارد «این نکته را هم نمی‌توان نادیده گرفت که هرگاه رشد صنعتی همدوش رشد اخلاقی نباشد، اجتماع به سوی توحش اخلاقی رهسپار می‌گردد و ارکان چنین تمدنی که فقط تمدن صنعتی آن تکامل یافته است به سوی تزلزل و نابودی است [۷]

آنچه از این مبحث استنتاج می‌شود آن است که از آنجا که بنیاد اصلی تمدن اسلامی خدامداری و اسلامیت آن است تقرب بیشتر به این اصل و صیانت افزونتر از آن نیز شرط اصلی اعتلای مجدد تمدن و فرهنگ اسلامی است.

هرگاه رشد صنعتی همدوش رشد اخلاقی نباشد، اجتماع به سوی توحش اخلاقی رهسپار می‌گردد و ارکان چنین تمدنی که فقط تمدن صنعتی آن تکامل یافته است به سوی تزلزل و نابودی است

## ۲. آرای اندیشمندان اسلامی معاصر در مورد ارکان

### تمدن اسلامی و نحوه تجدید اعتلای آن

برخی از متفکرین اسلامی در بحث از تمدن اسلامی، تمایز چندانی میان تمدن و فرهنگ قائل نشده‌اند و گاه آن‌ها را به صورت مترادف بکار برده‌اند. به همین صورت امام موسی





صدر در کتاب «اسلام و فرهنگ قرن بیستم» وارد این مبحث شده و ارکان فرهنگ اسلامی را به شرح زیر ارائه داده است:

خداشناسی، ابدیت فرهنگ اسلامی، فرهنگ جامع الاطراف، فرهنگ سازنده و متحرک و وحدت و یکپارچگی فرهنگ اسلامی [۸]

برخی دیگر از صاحب نظران اسلامی گفته اند: یک جامعه برای اینکه به نقطه زایش تمدن دست یابد، باید پیش از آن، به استقرار یک نظام ارزشی که به موجب آن معیارهای خوبی و بدی (ارزش و ضدا ارزش) تعیین تکلیف شده باشد، نائل گردد، این جامعه همچنین باید قابلیت تولید علم و توسعه قدرت سیاسی را دارا باشد. ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در ... (سه مؤلفه)

مروری بر سیر تحولات تمدن‌ها در طول تاریخ نشان می‌دهد که انبیاء در هسته مرکزی بسیاری از تمدن‌های بشری جای دارند. ادیان، همواره توانسته‌اند به عنوان مرکز ثقلی برای پویایی سه مؤلفه‌ای که بر شمرده‌ایم، عمل کنند. این سه مؤلفه (نظام پویای ارزشی، علم، و قدرت سیاسی) در واقع تیش و پویایی خود را (در یک جامعه رو به تمدن و یا تمدنی که رو به اوج دارد) از دین - که در کانون آن قرار داشته و مجموعه نظام تمدنی را پویا و فعال نگه می‌دارد - بهره می‌برد. بدین سان تمدن‌هایی که در طول زمان نتوانسته‌اند بر مسالک انبیا خود اهتمام ورزند، به مرور گرفتار ضربان میرنده شده و به تاریخ پیوسته‌اند... واقعیت آن است که وجود رابطه تعادلی بین سه محور بر شمرده در پویایی یک تمدن، نقش تعیین کننده دارد. توسعه یک سوئیه هریک از محورها و عدم همگونی و فقدان رابطه تعادلی بین این مؤلفه‌ها می‌تواند نهایتاً یک تمدن را از تعادل تاریخی خارج ساخته و آن را به اضمحلال بکشاند. [۹]

به عقیده یکی از نویسندگان به نظر می‌رسد که رمز بقای تمدن‌ها در گرو شکوفایی و کمال‌پذیری سه نظام به هم پیوسته:

- نظام ارزشی
- نظام فکری
- نظام عینی

می‌باشد و اگر مفهوم تمدن را در برگیرنده نظام‌های سه‌گانه مورد اشاره بدانیم همچون ارگانیزم زنده‌ای خواهد بود که متناسب با مراحل تکامل جامعه بشری سیر خواهد کرد. نگارنده در مقاله خویش (تمدن نوین، آن را بسازیم) ضمن آنکه رسالت انقلاب اسلامی را تنها ایران‌سازی ندانسته بلکه جهان‌سازی و ساخت و ساز تمدن می‌داند با رد تمدن غربی و با

استناد به بیانات مقام معظم رهبری می‌نویسد: چه باید کرد؟ آیا ما شاهد سکوت این ظلمت‌کده باشیم یا آنکه برخیزیم و طرحی نو در اندازیم، اگر بخواهیم جامعه خود را بسازیم می‌باید طرحی برای ساختن جهان ارائه دهیم، ایران‌سازی در گرو جهان‌سازی است، توسعه ما وقتی بدست می‌آید که در عالم، تمدنی دیگر پدیدار شود. ما داعیه دخالت جهان را نداریم، اما باطن و ذهنیت بشری را می‌باید به سمت حیات معقول راهبر شویم. چه خوش‌گفت رهبر فرزانه ما: «مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشیم، مسئله این است که ملت ایران همچنان که در شأن اوست در حال پدید آوردن یک تمدن است.

پایه تمدن بر صفات و تکنولوژی و علم نیست، پایه اصلی تمدن بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است، این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را برای او به ارمغان می‌آورد، ما در این صراط و جهت هستیم.

**اگر بخواهیم جامعه خود را بسازیم می‌باید طرحی برای ساختن جهان ارائه دهیم، ایران‌سازی در گرو جهان‌سازی است، توسعه ما وقتی بدست می‌آید که در عالم، تمدنی دیگر پدیدار شود. ما داعیه دخالت جهان را نداریم، اما باطن و ذهنیت بشری را می‌باید به سمت حیات معقول راهبر شویم**

بنابراین می‌بایست معنی تمدن نو را در تغییر کلیه عناصر نظام ارزشی و نظام فکری جامعه و روابط سازنده آن شناسایی نمود. تمدن مادی که بر پایه حداکثر نمودن سود مادی و رفاه مادی، قرار دارد پایان خود را قرین یافته است اما تمدن الهی بر پایه اصالت دادن به تقرب به خدای متعال در همه شئون، خود را مطرح می‌کند، ما در حال پدید آوردن موجود جدیدی در جهان هستیم و بشر امروز با مشاهده و لمس ناکامی‌های



گذشته، بلوغ لازم برای دستیابی به وضعیت جدید را پیدا کرده است.

جهانی که عدالت در آن نهادی شود و روابط اجتماعی به منزله صورت تحقق عینی ولایت الهی در جامعه شکل گیرد. به بیان دیگر ما به دنبال تمدنی هستیم که صورت عینی قرآن باشد، قرآن یک صورت کتبی دارد که نازل شده است و یک صورت عینی دارد و آن هنگامی است که کلمه "الله" به تمام معنا در جامعه عینیت یابد. بشر با تکامل مادی نمی تواند تمایلات گوناگون اجتماعی را به وحدت برساند، یکپارچه سازی جامعه جز بر پایه نظام خلافت الهی مبتنی بر پیدایش یک محور حقیقی که محور پرستش است نمی تواند تحقق یابد. [۱۰]

از نظر علامه استاد محمد تقی جعفری «عدالت» و «کرامت انسانی» نیروهای اصلی نگاهدارنده و پایدارکننده تمدن ها هستند که در قالب اعتراف انسان به حقانیت الهی نهفته اند و اگر انسان آن را اقرار نکند سقوط قطعی است. [۱۱]

یکی از مبسوط ترین نظرات در زمینه شرایط لازم تجدید اعتلا تمدن اسلامی و بازآوری دین به صحنه اجتماع از سوی حجت الاسلام سید محمد خاتمی رئیس جمهور منتخب بیان شده است. ایشان با استناد به فرمایشات امام راحل و با توجه به از کارافتادگی و بحران تمدن غرب بر این باورند که انقلاب اسلامی وظیفه دارد در جهت حمایت از مسلمانان جهان و بشریت به تاسیس تمدن پرداخته تا اسلام و پرچم اسلام ناب محمدی (ص) در سراسر دنیا به اهتزاز در آید. به عقیده ایشان: در یک کلمه انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی» آغاز مرحله جدید تاریخ است و امام تنها آفریننده یک انقلاب که سرنوشت ایران را دگرگون کرد نیست، امام (ره) بنیانگذار حرکتی است که رو به آینده دارد و به یاری حق و به همت فرزندان انقلابی امام در سراسر جهان سرنوشت تاریخ بشر را عوض خواهد کرد.

انقلاب اسلامی آغاز مرحله جدید سرنوشت بشر است، در هنگامی که تمدن غرب با همه زرق و برق خود به پایان راه رسیده است و در درون و بیرون دچار بحران است. بحران اخلاقی خانوادگی و اجتماعی در درون غرب و بحرانی که جهانخواری غرب در سراسر دنیا آفریده است. اینها همه نشانه

پیری و از کارافتادگی تمدنی است که به مدت چهار قرن نفس بشریت را گرفت و همه امکانات آن را در مسیر منافع و اهداف قدرتمندان به کار گرفت، ما امیدواریم اینک که امام در میان ما نیست اندیشه امام که به روشنی و وضوح در میان ماست مبنای تثبیت و تحکیم انقلاب بشود و در آینده ای نه چندان دور شاهد باشیم که اسلام و پرچم اسلام ناب محمدی (ص) در سراسر دنیا به اهتزاز در آمده است. [۱۲]

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در این مبحث در پاسخ به این سؤال که ما به عنوان مسلمان و ضعمان در دنیا چیست و چه باید بکنیم اینگونه جواب می دهد:

- باید زمان خودمان را بشناسیم، منظور من به زمان به طور خاص غرب است و چون آنچه که امروزه حاکم است، غرب است و البته باید بکوشیم از مظاهر و ظواهر زندگی غرب به مبادی و مبانی تمدن غرب عبور کنیم. یعنی برای اینکه در زمان خودمان باشیم باید آن را بشناسیم.

- به عنوان قومی که در زمان گذشته صاحب تمدن و فرهنگ درخشان بوده ایم، باید با آن گذشته انس پیدا کنیم. قومی که گذشته ندارد متعلق به هوست، به هیچ وجه صاحب ابتکار و قدرت و انتخاب نیست. اسیر دست حوادث است ما برای اینکه پایگاه محکمی پیدا کنیم و بعد بتوانیم نسبت به حال و آینده مان تصمیم بگیریم، باید به گذشته خودمان برگردیم اما نه برای اینکه در گذشته بمانیم، گذشته گذشته است اما ریشه هویت ما در گذشته است ما باید گذشته خودمان را بشناسیم با آن انس داشته باشیم تا احساس قویتری نسبت به هویت تاریخی و فرهنگی خودمان و به طور طبیعی قدرت انتخاب بیشتری برای آینده داشته باشیم.

- باید شجاعانه میان جوهر دین که امری متعالی و مقدس است با برداشتهای انسان از دین که امری نسبی و تحول پذیر است تفکیک قایل شویم و در نتیجه راه تحول مثبت در اندیشه دینی را باز کنیم.
- فهم تازه ای از دین داشته باشیم که با سؤال و نیاز امروز و فردای ما متناسب باشد البته با وفاداری به منابع و





نمی‌توانیم از این‌ها چشم‌پوشیم. به هر حال تمدن جدید تمدنی است که بر مفهوم «آزادی» استوار است، و به نسبی بودن انسانی قائل است که قدرت سیاسی را مشروط به نظارت و کنترل مردم می‌داند. ممکن است که برداشت‌های غرب و مصادیق مورد نظر او مورد قبول نباشد ولی این مفاهیم و دست‌آوردهای بزرگ تجربه بشری است که هرکس در آینده هم بخواهد زندگی کند نمی‌تواند اینها را نادیده بگیرد.

از برکات انقلاب اسلامی این است زمینه طرح سؤال‌های تازه‌ای را نسبت به جامعه و حتی نسبت به اصل دین فراهم ساخته است... بنده معتقدم کسی که به آینده بشر امیدوار است در درون این طوفان‌ها و تزلزل‌ها رویداد بذر تفکر جدید اسلامی را خواهد دید و به انتظار شکوفا شدن آن خواهد نشست و در بارور شدن آن از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد. در سایه آن تفکر است که جوهر دین حفظ خواهد شد و طبیعی است که تلفاتی هم در این زمینه خواهد بود. [۱۵]

ریاست محترم جمهوری اسلامی با استناد به آیه شریفه الذین ان مکننا هم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر، معتقد است که «تمکین» ی که در این آیه هست به معنای توسعه و پیشرفت همه جانبه در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. و «توسعه» یا تمکین فی الارض «یک عطیه الهی و یک ارزش است که باید با هدف متعالی و ملکوتی «اقامه الصلوه» و «اتباء الزکوه» و امر به معروف» و «نهی از منکر»، از توسعه صرفاً مادی که هدف جهان متمدن امروزی است، جدا و ممتاز گردد. [۱۶]

همچنین ایشان در مصاحبه‌هایی که پس از انتخابات ریاست جمهوری انجام دادند چندین بار، ایده و تفکر برخورد تمدن‌های (ساموئل هانینگتون) را خطرناک و مردود اعلام نمودند و اظهار داشتند که اسلام به گفتگو و همکاری بین تمدن‌ها معتقد است.

از دیگر صاحب‌نظران می‌توان به نظرات ریاست محترم سازمان صدا و سیما اشاره کرد ایشان سه قدم مهم را در ساخت و تأسیس تمدن اسلامی لازم می‌شمارند و در قدم اول اظهار می‌دارند که معتقدیم اگر قرار باشد در آینده تمدنی با ماهیت اسلامی تشکیل یابد، طبق قواعد ثابت تاریخی باید اجماع نظری در میان نخبگان فکری حاصل گردد.

مبانی مانند قرآن که دین را بیان می‌کند. ما به این منابع و مبادی وفاداریم و در برخورد با آن‌ها باید شیوه‌های سنجیده‌ای را به کار ببریم. اما همواره متذکر باشیم که می‌توانیم و باید برداشت امروزی‌تر داشته باشیم فهم جدیدی از دین که متناسب با سؤال‌ها و نیازهای ما باشد.

ما اگر این نکته‌ها را مراعات کنیم خیلی بعید نیست که بتوانیم آینده را خودمان بسازیم. برای اینکه من معتقدم تمدن غرب آخرین تمدن بشری نیست غرب هم پایان تاریخ نیست این تمدن هم روزی به بن‌بست و پایان می‌رسد آثار بحران هم در آن هویدا است انسان متفکر، انسانی است که آنچه دیگران تجربه کردند در آنجا که دچار مشکلاتی شدند عین آن‌ها را تجربه نکند. ما به سوی آینده خواهیم رفت [۱۳] وی روی ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در... قابلیت و صلاحیت بیشتر ایران و ایرانی‌ها در پذیرفتن بذر تمدن اسلامی و پروراندن و شکوفا نمودن آن تأکید نموده و معتقد به عدم انکار غرب و ضرورت تجربه نمودن این تمدن و بهره‌مندی و گزینش دست‌آوردهای مثبت آن است وی می‌نویسد:

انصاف این است که اگر روح ذوق و عقل و خرد ایرانی را از دست‌آوردهای تمدن اسلامی منها کنیم معلوم نیست از آنچه که می‌گوییم تمدن اسلامی چه باقی می‌ماند. یا دست کم به کلی با آنچه که الان در تاریخ تحقق پیدا کرده است تفاوت خواهد داشت. یعنی پیام اسلام در ایران بهتر گرفته شد و بذر تمدن اسلامی در قلب و دل و جان ایرانی شکوفا شد. [۱۴]

ما دوبار تأسیس تمدن کردیم چرا دفعه سوم دارای چنین توفیق نباشیم؟ اما این را بدانیم که هیچ تمدنی با نفی و انکار تمدن قبلی به وجود نیامده است و هر قومی که توانسته است تمدن‌ساز باشد، از جایی شروع کرده است که تمدن قبلی به بحران و بن‌بست رسیده است، یعنی تمام دست‌آوردهای مثبت آن تمدن را گرفته و در درون خود هضم کرده و با بینش تازه مطالب تازه‌ای هم به آن افزوده است. ما اگر بخواهیم به آینده برویم حتماً باید از تمدن جدید بگذریم و حتماً باید بدانیم که تمدن جدید هم تجربه بشری است و نمی‌توان این تجربه را نادیده گرفت اما می‌توان آنچه را که به نظر می‌رسد مشکل این تمدن است با تأمل در آن نگریست و احیاناً دچار آن نشد.

من معتقدم که مشکل مهم تمدن غرب دنیازدگی و فقدان معنویت آن است اما دست‌آوردهای بزرگی هم داشته و دارد ما





فرض بر این است که ظهور تمدن اسلامی در آینده، تابع پرورش‌های نیروهای مادی و معنوی است و چالش اندیشمندان مسلمان، در استخراج تلفیقی است که این دو عنصر را به گونه‌ای ارائه کنند که ضمن حفظ ماهیت اسلامی تمدن، به ابعاد علمی و تکنیکی نیز مجهز باشد.

در این مسیر اولین و مهمترین قدم، بررسی تفکر و جو تفکر و روحیه تفکر و ذهنیت استدلالی در میان مسلمین است. این اقدام مهم تنها از طریق آموزش و عزم جمعی و تعلق خاطر به ظهور و آینده تمدن اسلامی ممکن است. اگر وضعیت فکری مسلمانان و قوه‌ها و استعدادهاى آنان رشد نکنند و آموزش و تعلیم مسلمانان اساس واقع نگردد، طبیعی است که تمدنی در کار نخواهد بود، تمدن اسلامی به مسلمانانی وابسته است که بتوانند بیندیشند و منافع جمعی و فکری خود را اندیشمندانه تشخیص دهند.

دومین قدم مهم در این حرکت تدریجی و تکاملی برای دستیابی به تمدن اسلامی، کسب هویت جمعی مسلمانان است. زیرا از همان مشترکات است که پایه‌های تمدن ساخته می‌شود. اگر به اسلام و تفکر اسلامی، در ابعاد محلی و بومی نگریده شود، طبیعی است که از تمدن اسلامی در کشورهای مختلف خبر چندانی نخواهد بود. تمدن اسلامی، هویت می‌خواهد؛ یعنی اینکه عموم مسلمین به ضرورت ساختار تمدن اسلامی در قالب کشورهای موجود اما با مشترکات فرهنگی و اعتقادی، باوری عمیق داشته باشند. سومین قدم در مسیر تمدن اسلامی، این است که مسلمین در یک حرکت پرمشقت ابزار مادی ساختن تمدن را بدست آورند، با توجه به گردونه علمی و فکری موجود در جهان شاید دسترسی به چنین موقعیتی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌های متفکرین مسلمان باشد. این ابزار که به عالم و چارچوب کاربردی آراسته شده، تفکر جمعی و هویت جمعی مسلمانان را به مرحله عمل می‌رساند و عناصر مادی و پایه‌های مادی تمدن اسلامی را بنا می‌کند. [۱۷]

در مورد قواعد تمدن‌سازی و آینده تمدن‌سازی دکتر محمود سریع‌القلم درباره نحوه تطبیق میان اصول ثابت

تمدن‌سازی و شرایط فعلی دنیای اسلام چهار فرضیه ارائه داده است که تشریح آن‌ها مفید خواهد بود.

ایشان در پاسخ به این سؤال که اگر قرار باشد ۱/۵ تا ۲ قرن آینده فرهنگ و تمدن اسلامی فعلیت یابد این چهار فرضیه را ارائه می‌دهد:

فرض اول، آن‌که ظهور تمدن‌ها در تاریخ بشر تابع قواعد اگر پس، یا به زبان منطق « اصول شرطیه » است: جغرافیای مناسب، استراتژی نخبگان، مسئولیت و جدیت نخبگان، تربیت، ثروت و دسترسی به منابع.

فرض دوم، آنکه تمدن‌ها عموماً تابع اقداماتی هستند که توسط انسان‌های جدی و دارای جهان‌بینی روشن و مجهز به سلاح زمان، تحقق می‌پذیرند.

فرض سوم، آنکه تمدن با کار جمعی و منطق جمعی و اجماع اداره کل پژوهش معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما نظر در میان نخبگان و عموم مردم متحقق می‌گردد.

فرض چهارم، این است که تنها زمانی تمدن اسلامی فعلیت می‌یابد که مسلمین فکور، تلفیق میان علم و وحی را استخراج کنند و آن را با گذشت زمان از طریق مدل‌سازی‌های متعدد اصلاح نمایند. [۱۸]

در آراء پاره‌ای از صاحب نظران و اندیشمندان اسلامی در مورد ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تمدن اسلامی، به الهی و جهانی بودن پیام اسلام، اخلاق‌مندی، معرفت‌خواهی، اعتدال‌جویی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط، و عدالت‌گرایی و تساهل‌جویی و جذب فرهنگ‌های دیگر اشاره شده است و نهایتاً رشد تمدن و فرهنگ و خلاقیت در علم و هنر بیش از هر چیز محتاج ثبات و استقرار اجتماعی و امنیت و آسایش، و نیازمند انگیزه، تشویق و تقدیر می‌باشد. [۱۹] و خواسته و ناخواسته تأسیس یا اعتلاء مجدد تمدن اسلامی منوط به توجه به این مؤلفه‌ها نیز گردیده است.

نظری دیگر نیز وجود دارد و آن این است که هر چه فرهنگی خلاق‌تر بوده و آثار منفی تمدن را بیشتر تلطیف کنند در کوس رقابت سایر فرهنگ‌ها سرآمدتر هستند. به نظر می‌رسد برخورد جوامع در آینده، بیشتر در قالب رقابت میان فرهنگ‌ها باشد. در این زمینه، موضوع از دو جهت در خور بررسی است: نخست اینکه فرهنگ‌های مورد بحث تا چه



اندازه دارای زمینه برای آفرینندگی، پویایی و در عین حال سازگاری با تمدن علمی و تکنولوژیک جدید هستند، دیگر آنکه در رابطه با عوارض منفی این تمدن علمی و تکنولوژیک تا چه اندازه اثر تلطیف‌کننده دارند... و آن تلطیف منطق خشک تمدن علمی و تکنولوژیک جدید و رفع از خودبیگانگی انسان امروز و رهایی بخشیدن او از سردرگمی روانی است؛

انسانی که در جهان نامعقول و تنها افتاده است. [۲۰]

رئیس سابق مرکز گفتگوی تمدن‌ها در مقاله خود در این باره (تحت عنوان تمدن نوین اسلامی) به گونه‌ای نسبتاً مشابه و با استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات بیشتر و متنوع‌تری از مبانی تمدن اسلامی و تجدید اعتلای آن سخن گفته است [۲۱]. وی مهمترین سنگ بنای تمدن‌سازی را تحقق اراده یک ملت و استقلال هویتی و هویت اسلامی و مردمی انقلاب اسلامی ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در... دانسته و از دانش و دانایی متکی به دین و ایمان مذهبی به عنوان دو بال تحقق تمدن یاد کرده و شرط تمدن‌سازی را خلاقیت در گرو آزادی به شمار آورده است.

وی می‌نویسد: دانش و دانایی که هر دو با تکیه به دین و ایمان مذهبی تحقق می‌یابند. دو بال تمدن محسوب می‌شوند.

خلاقیت مهمترین بعد ماهوی انسان است و در واقع اندیشه، دانش و دانایی در خدمت خلاقیت است و چنان که می‌دانیم ملت و کشوری که بتواند خلاقیت بیشتری داشته باشد در عرصه تمدن‌سازی نقش برتری می‌یابد. خلاقیت نیز در گرو «آزادی» است، بدیهی است آزادی به عنوان نردبان خلاقیت غیر از «رهایی» به عنوان نردبان شهوت است. آزادی در خلاقیت، ثمره‌اش تولید علم و فن است و رهایی محصولش تخریب هویت انسانی.

مراد این است که ملت و دولت و انقلابی که داعیه تمدن‌سازی دارد به ضرورت باید علل فروپاشی تمدن‌ها را نیز محاسبه و درک کند. تکریم دانش و دانشمندان و نظریه‌پردازان و تحقق فضای روشن و شوق‌انگیز خلاقیت شرط تحقق تمدن نوین اسلامی است و البته بهره‌گیری از تجربه دیگران - حتی آنانی که از جهت اعتقادی مورد پذیرش ما نیستند- این حکمت درخشانده امام علی (ع) که «حُدِّ الْعِلْمُ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ الْبِغَاثِ» (علم را حتی اگر نزد اهل نفاق باشد، اخذ کنید)

حکمتی است که نقش و ارج دانش را می‌نمایاند. پیداست مراد تنها دانش دین نیست زیرا که طبعاً نمی‌توان آن را از منافق آموخت. دانش دین که روح تمدن را می‌سازد متفاوت از دانشی است که پیکره تمدن به وسیله آن محقق می‌شود. در یک کلام: الف اراده تمدن‌سازی در انقلاب و دولت و ملت ما تحقق یافته است.

ب اسلام یک آیین تمدن‌ساز است.

پ مردم ایران تجربه و سابقه تمدن‌سازی دارند.

ت شرط تمدن‌سازی، تحقق خلاقیت است.

ث تحقق خلاقیت متکی به آزادی، دانش و دانایی است.

به این ترتیب، عصر حاضر که نقشی تعیین‌کننده در تحقق بخشیدن به «تمدن نوین اسلامی» دارد، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کمال کشور از اهمیت بسیار زیادی برخوردار خواهد بود. اگر گزاره‌های فوق را بپذیریم، منطقاً باید سیاستگذاری‌های کشور در جهت تقویت توان علمی، افزایش شناخت، و رشد مناسب آزادی‌های مشروع مدنی، هدایت شوند تا با تکیه بر تجربه و اراده تمدن‌سازی، شاهد عصر زرین دیگری در تاریخ اسلام و ایران باشیم. [۲۲]

البته در بین روشنفکران مسلمان داخلی نیز هستند افراد یا جناح‌هایی که داعیه تمدن‌سازی نظام جمهوری اسلامی را در حال حاضر گران، خیالی و نامتناسب با بضاعت‌ها و وضعیت بحرانی فرهنگی امروز جامعه ما می‌دانند و ادله هم برای مدعای خود ذکر می‌کنند.

البته همین روشنفکران نیز راهکارهایی برای رسیدن به تمدن و فرهنگ اسلام و اعتلای مجدد آن ذکر کرده‌اند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در بحث تمدن نوین اسلامی به دفعات وارد شده و ضمن تشریح این مفهوم، پیشرفت‌های موجود در کشور را مقدمه تحقق این تمدن در کشورمان دانسته‌اند. در اینجا به بخشی از دیدگاه‌های ایشان در این زمینه اشاره می‌کنیم:

«ما در درون دولت برای انتخاب اسم تمدن اسلامی جدید بحث‌هایی داشتیم، اسم جامعی به ذهنمان نرسید گفتیم احیای تمدن اسلامی، ولی این اسم ما را قانع نکرد، چرا که تمدن اسلامی جدید چیزی فراتر از احیای تمدن اسلامی است.



می‌خواهیم چیزی بهتر از آن و متناسب با زمان ما به وجود بیاید. بعضی‌ها تمدن جدید و بعضی‌ها تمدن نوین می‌گویند. من آن فضایی را می‌گویم که در ذهنم است باید اسم درستی برای آن پیدا کرد. ایران کشوری است که همه امکانات یک جامعه متمدن، مرفه و متعالی را در خود دارد. کمتر کشوری است که این امکانات را یک‌جا داشته باشد. ذخایر معدنی ایران، مجموعه‌ای از ذخایر معدنی دنیا است. به ندرت پیش می‌آید چیزهایی در ایران نباشد، نفت و گاز از سرمایه‌های عجیب خدادادی است. ذخایر گاز ما برای مصرف سیصد، چهارصد سال کافی است. گاز مهمترین و با ارزش‌ترین عامل رشد و تکامل زندگی مادی است که ما داریم. ایران دومین ذخایر گاز دنیا را بعد از روسیه داراست. حتماً منابعی هست که تا به حال کشف نکرده‌ایم. به عنوان مثال، اخیراً در پارس جنوبی به یک لایه گاز رسیدیم که قبلاً از وجود آن بی‌اطلاع بودیم.

با داشتن منابع بالقوه خدادادی و تفکر اهل بیت و پایه‌های انقلابی این مردم متعهد و موقعیت ممتاز جغرافیایی می‌توانیم از هر جهت زندگی خوب و پیشرفته‌ای داشته باشیم. بحمدالله نقطه ضعف ما، که صنعت و تکنولوژی بود، با برنامه‌های اول و دوم سازندگی تا حدودی رفع شد و دانشگاه‌های نیرومندی بوجود آمد، شما از همین برنامه‌های اجرا شده الهام بگیرید. ما بدون آمادگی قبلی یک برنامه‌ونیم اجرا کردیم الان خیلی آماده‌تر از هفت سال پیش هستیم. اگر با همین سرعت پیش برویم در ساخت روبناها، زیربناها، رشد تولیدات ناخالص ملی، حرکت در جهت صادرات، توسعه خدمات با مبنای فکری درست، که همان فرهنگ اسلامی است که این خود جوهر حرکت ماست، به دستاوردهای جدیدتری خواهیم رسید.

شما ۲۵ سال را در نظر بگیرید با رشد هفت‌درصدی که ما در مجموع هفت سال داشتیم، ببینید اگر در همه ابعاد برنامه‌ریزی شده باشد چه اتفاقی در کشور می‌افتد. در چنین فضایی اگر در زمینه‌های کشاورزی، شیلات، صنعتی، معدن، دامداری، بیشتر از همه آموزش و پرورش، فن و فرهنگ این حرکت شروع شده و تجربه شده خود را ادامه

دهیم، نتیجه همان است که اسم آن را تمدن اسلامی می‌گذاریم. [۲۳]

همه عوامل برای پیگیری هدف‌های مقدس و آرمان‌های نظام اسلامی امام راحل و مقام معظم رهبری فراهم است و ایران با اقتدار بیشتر در مسیر ایجاد تمدن اسلامی گام بر می‌دارد. [۲۴]

موقعیت منحصر به فرد ایران در معادن غنی، منابع عظیم و بی‌پایان انرژی، ابزار فرهنگی و اعتقادی نیرومند و جاذب، موقعیت ممتاز جغرافیایی می‌تواند پشتوانه مهمی برای اجرای طرح تمدن نوین اسلامی باشد. سابقه‌ای که اسلام در ایجاد تمدن دارد و با توجه به نقش و سهم ایران در خلق این تمدن، امروز سیاستمداران و اندیشمندان ایرانی باید بیشتر از دیگر مسلمانان احساس مسئولیت کنند.

اداره کل پژوهش معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما

### اسلام هیچ ضدیت و تقابلی با فرهنگ و تمدن ندارد بلکه با فرهنگ و تمدن فسادآور و مبتنی با مادیات و شهوات مخالف است

...تمدن نوین اسلامی بر اساس قوانین قرآن و معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> بنیانی ضروری است و با محور بودن مقام ولایت در نظام جمهوری اسلامی، بر اساس قانون اساسی و شرع مقدس سیاست‌های کلی و کلان کشور بر مبنای نظرات ولی فقیه ترسیم می‌شود برنامه‌ریزان تمدن اسلامی نیز باید با اصل قرار دادن نظرات مقام معظم رهبری سیاست‌ها را تدوین کنند... [البته] سازندگی در محدوده مرزهای ایران اسلامی گرچه اصالت دارد ولی همه هدف ما نیست بلکه کمک به جهان اسلام و ملت‌های محروم برای بهره‌برداری مناسب از امکانات و رسیدن به توسعه و بی‌نیازی آنان از قدرت‌های سلطه‌گر، رسالت و تفکر اساسی ما در تمدن اسلامی است. [۲۵]

...مردم می‌دانند که دولت برای سال ۱۴۰۰ یعنی ۲۵ سال دیگر طرحی آماده می‌کند که آن روز تمدن واقعی اسلامی که





هیچ‌گاه در طول تاریخ اسلام در یک کشور اسلامی تحقق نیافته، در ایران ساخته خواهد شد. [۲۶]

### ۳. دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری پیرامون

#### تمدن و نحوه اعتلای مجدد تمدن اسلامی

##### ۱.۳. دیدگاه‌های امام راحل (قدس سره)

دیدگاه‌های امام رحمه‌الله علیه درباره مبحث تمدن، اعم از تمدن غرب و تمدن اسلامی بسیار جامع می‌باشد. ایشان بارها تأکید می‌فرمایند که اسلام هیچ ضدیت و تقابلی با فرهنگ و تمدن ندارد بلکه با فرهنگ و تمدن فسادآور و مبتنی با مادیات و شهوات مخالف است امام (ره) به خوبی به افشاگری تمدن مورد ادعای شاه ملعون، (در دوران مبارزات) پرداخته‌اند و بر جنبه‌های فسادآوری و وارداتی بودن آن تأکید ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در ... می‌فرمایند. ضمن آنکه اسلام را دارای تمدنی بالنده و پویا و فراگیر بشمار می‌آورند و بر توحیدی بودن و عدالت‌خواهانه بودن این تمدن و حکومت اسلامی اصرار می‌ورزند. امام به شدت با اتهامات دشمنان اسلام که این دیانت شریف را کهنه‌پرست و ناکارآمد در جهت اداره جوامع معرفی می‌کنند مبارزه می‌نمایند و نه تنها اسلام را دارای تمدن درخشان می‌دانند بلکه وظیفه مسلمانان و علما، را چنین ترسیم می‌فرمایند که در جهت اعتلای این تمدن حرکت نموده و با تأسیس حکومت اسلامی و قبضه قدرت، در مقابل استکبار و ستمکاران قد علم کنند و جمهوری اسلامی را پناهگاه امن مسلمانان جهان قرار دهند و در نهایت آرزو می‌نمایند که ایران در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی به گونه‌ای حرکت کند که سرمشق جامعه بشری قرار گیرد. اینک به فرازهایی از نظرات بلند ایشان در این باره اشاره می‌نمایم:

مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود، معنویات آنها بالاترین معنویات بود رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود. توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود. سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره با این وحدت اسلامی نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند، ذخایر اینها، طلای

سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود قبضه کرد درصدد چاره برآمدند، چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیاندازند. [۲۷]

..تمدن را به درجه اعلایش، اسلام قبول دارد و برای تحقیق کوشش می‌کند و لهذا حکومت‌هایی که در اسلام بوده‌اند یک حکومت‌هایی بوده‌اند که همه‌جور تمدنی در آنها بوده است اما نظر به این نبوده است که در عین حال همان چیزهایی که در ممالک متمدن باشد، اسلام هم آنها را قبول دارد و کوشش هم برایش می‌کند در عین حال آنها به این نگاه می‌کنند و همین است، او به این نگاه می‌کند که بکشدش طرف روحانیت، بکشدش طرف توحید. از این جهت فرق است ما بین اسلام و غیراسلام، بین حکومت اسلامی و حکومت‌های غیراسلامی بین آن چیزی که مکتب اسلام آورده با مکتب‌های دیگر، مکتب‌های دیگر یک مکتب ناقص هست که خودشان خیال می‌کنند خیلی کامل است لکن حدودش تا همین دیدی است که دارند، بیشتر از این نیست مکتب اسلام دیدش تا آخر هست، طبیعت را که به آن دنیا می‌گویند، در لسان انبیاء (دنیا) یعنی خیلی پست، یعنی کلمه دنیا یعنی خیلی پست، اسفل‌السافلین هم که در قرآن هست همین طبیعت است و آثار طبیعت بالاتر، اعلی‌علیین است که خدا می‌خواهد مردم را به اعلی‌علیین برساند از اسفل‌السافلین بکشاندشان تا اعلی‌علیین و این در غیر رژیم‌های انبیاء و جاهای دیگر اصلاً مطرح نیست. چکار دارند به اینکه مردم بشوند یک مردم الهی، به ما چه ربط دارد، اینجا خلاف نظم نکنند، اینجا کاری نکنند به حکومت ما ضرر بزند هر چه می‌خواهد باشد انبیاء اینطور نیستند. انبیاء به شما کار دارند... آنها می‌خواهند انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد... و ما میلمان این است، آرزومان این است که یک همچو مکتبی در خارج بشود تحقق پیدا کند میل انبیاء هم همین بوده است میل همه ما این است ما یک حکومتی داشته باشیم همان‌جور که در صدر اسلام بود که عدالت بود، همه‌اش عدالت بود و زاید بر او آن مسائلی که در قرآن کریم و در اسلام هست آنها هم باشد. [۲۸]

...با تمدن، اسلام مخالف نیست با دلبستگی و محدود شدن مخالف است که همه آمال و آرزوی ما همین باشد، همه هم ما همان علفمان باشد، تمام همت ما این باشد که خوب بخوریم، خوب بخوابیم و خوب شهوات کنیم. دلبستگی را مخالف است اسلام با این هم انسان مخالف است. تمدن به اعلی مرتبه، مهار، مهار در معنویت. همه مظاهر تمدن را انبیاء قبول دارند لکن مهار شده، نه مطلق و رها. شهوات را جلوی نگرفتند، جلوی اطلاقش را نگرفتند جلو رهایی و آزادی را نگرفتند. [۲۹]



...ما با تمدن مخالف نیستیم با تمدن صادراتی مخالفیم تمدن

صادراتی، ما را به این روز نشانده است. [۳۰]

...ما با آثار تمدن موافقیم مایلم که مملکت ما مجهز شود به

همه آثار تمدن ولی نه آنطور که شاه عمل کرد. شاه تمام آثار تمدن را

به صورت فاسد کننده در آورد [۳۱]... ما تمدن غرب را قبول داریم

لکن مفاسدش را نمی‌پذیریم [۳۲]... اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن

بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید،

بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد بود ما امیدواریم که با

پیروزی خود این مطلب را به جهان ثابت کنیم. [۳۳]

بزرگترین آرزوی من این است که مردم ایران صاحب کشوری

باشند که در راه پیشرفت و سعادت انسانی سرمشق همه ملت‌ها

باشند. [۳۴]

### ۲.۳ دیدگاه‌های مقام معظم رهبری حضرت آیه‌ها... خامنه‌ای

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به

مناسبت‌های مختلف به ضرورت احیاء و اعتلای مجدد تمدن

اسلامی و شایستگی ملت هوشمند و شجاع ایران در انجام

این مهم تأکید فرموده‌اند و ضمن تشریح آفت‌های موجود در

رسیدن به این هدف دشوار، توصیه‌ها و رهنمودهای

ارزشمندی ارائه نموده‌اند.

آنچه که امروز بشریت در دوران تمدن صنعتی و زیر تشعشع

مادیگری جذاب و فریبنده احساس می‌کند سنگین‌تر، سخت‌تر و

تلخ‌تر از آن چیزی است که در ظلمات جاهلیت بر دوش او سنگینی

می‌کند، بنابراین در عصر حاضر بشر نیازمند معنویت، توحید، برادری

و معارف روشن و دلپذیر اسلامی است و بر اساس همین نیاز است که

دعوت اسلامی در جهان طرفداران زیادی پیدا کرده است.

...آنچه که اسلام در مورد ارزش، اهمیت و اهداف انسان و نیز

در خصوص خانواده، جایگاه زن، هدف علم، روابط جوامع مختلف با

یکدیگر و مناسبات اجتماعی اقویا و ضعفا با یکدیگر مطرح می‌کند،

گره‌گشایی مشکلات زندگی انسان‌ها و جوامع بشری است و برخورد

خشن و خصمانه استکبار جهانی و دستگاه‌های تبلیغی وابسته به آن

با اسلام به دلیل پرجاذبه بودن و فراگیری این پیام الهی است...

از هنگام تحقق نظام سیاسی اسلام در ایران و استقرار نظام

جمهوری اسلامی ایران در این کشور، خصوصیت قدرت‌های ستمگر و

مستکبر با اسلام و ارزش‌ها اسلامی مضاعف شد و این دشمنی آنها در

پی مطرح شدن شعار احیای مجدد اسلام در جوامع اسلامی فزونی

بیشتری یافته است [۳۵]

کسانی که منتقدان جمهوری اسلامی ایران، مقلدان آنها

هستند، آن زمانی که اسلام پرچمدار علم و دانش بود و

کتاب‌های اسلامی در اقطار جهان در حد همت ملت‌ها مورد

استفاده قرار می‌گرفت ندیدند. امروز نیز نظام اسلامی ایران در

صدد تحقیق همان فرهنگ و تمدن است. [۳۶]

مقام رهبری در یکی از تعبیر خود از تحقق تمدن اسلامی و

اعتلای مجدد آن به «حیات طیبه اسلامی» نیز تشبیه نموده‌اند و

بهره‌گیری از این حیات طیب و پاک را شایسته ملت متعهد و متدین

ایران اسلامی می‌دانند:

مردم ایران با ایستادگی در مقابل دشمن، پایداری در عرصه

سازندگی، پایبندی به معارف و ارزش‌های دینی و حفظ قدرت سیاسی،

اجتماعی و ملی خود، به ملت‌ها درس می‌دهد و حیات طیبه‌ای را که

خداوند متعال اراده کرده است، به ملت‌های مسلمان عرضه

می‌کند [۳۷]... ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت

و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است. هر ملتی

که بر محور اسلام ناب جمع شود می‌تواند در مقابل بزرگترین

قدرت‌های جهان بایستد... دنیا بداند این ملت به سمت کمال،

علم، معرفت و زیبایی‌هایش خواهد رفت [۳۸]... حیات طیبه

اسلامی بوسیله ارزش‌های اسلامی و استقرار حاکمیت اسلام بر

این کشور سایه خواهد افکند و خدا را شکرگزاریم که مسئولان

و دولتمردان ما از اعماق جان به ایمان اسلامی پایبندند و برای

اسلام تلاش می‌کنند.

استعدادهای گوناگون، وحدت و روح حق‌پذیری ملت

ایران، از شرایط لازم برای رسیدن به نقطه اوج و هدف مطلوب

بوده و با تنبلی، بی‌حالی، اظهار ذلت، ضعف و ناتوانی و پایبندی

به خرافات و بی‌اعتنایی به ارزش‌های والای اسلامی نمی‌توان

یک کشور را بر طبق خواسته خداوند و فرهنگ قرآنی تجدید

بنا کرد. ولی خدا را شکرگزاریم که امکانات فراوان طبیعی،

زمین‌های حاصل‌خیز، آب و هوای مناسب، استعدادهای انسانی

و طبیعی و هدایت صحیح مسئولان، این امکان را فراهم کرده

است که ملت ایران بتوانند عقب‌افتادگی‌های ناشی از دوران

حاکمیت ستمشاهی بر این کشور را جبران کند و این همه

در خور تمجید و ستایش در طول تاریخ است. [۳۹]

... تحکیم پیوند، ارتباط و علقه مسئولان کشور با مردم لازمه

تحقق ولایت به معنای حقیقی کلمه می‌باشد و در سایه چنین پیوند و





و مردم مسلمان فعالیت‌های نکتینیم موفقیتی بدست نیاورده‌ایم. موفقیت آن وقتی است که بتوانیم معنویت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و توانایی‌های گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم. البته نظام جمهوری اسلامی از روز اول این شعار را داده و به دنبال آن حرکت کرده است [۴۵]

### جمع‌بندی

از یافته‌های این مقاله این است که استقرار جمهوری اسلامی می‌تواند نویدبخش اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی باشد. انقلاب اسلامی ایران از آغاز با تأکید بر رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی و در سایه آموزه‌های اسلامی قابلیت‌های بالقوه خود را در دستیابی به چنین هدف بزرگی به معرض دید همگان گذاشته است.

سرزمین ایران در طول تاریخ بارها مهد تمدن و الگوی سایر ملل در راه رسیدن به تکامل مادی و معنوی بوده و اسلام سابقه درخشان تمدن‌سازی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد که با توجه به انحطاط تدریجی تمدن غرب و فقر و بحران معنوی آن، تاریخ بار دیگر راه را برای اعتلای تمدن اسلامی در ایران زمین هموار کرده است. زیرا نخبگان و توده مردم اراده‌ای معطوف به این هدف داشته و اسلام و ایران نیز سابقه تمدن‌سازی دارند.

سخن از اعتلای تمدن اسلامی در کشور ما با تکیه بر اسلام و انقلاب اسلامی و هویت ملی، و با محوریت توحید و اعتصام به معارف اهل بیت علیهم‌السلام، خیال‌پردازانه و دور از واقعیت نیست. البته تجربه تمدن‌سازی به لحاظ نظری و عملی، تجربه‌ای مهم و تعیین‌کننده است. تردیدی نیست که در روزگار ما چهره تمدن و فرهنگ و علوم دگرگون شده است. و در برخی عرصه‌ها، فاصله ما با کشورهایی که تولیدکننده علم و فن و نظریه هستند بسیار است. لیکن این فاصله، گاه به‌مثابه فاصله میلاد تا مرگ است. میلاد یک تمدن و اضمحلال تمدنی دیگر.

برای ساخت تمدن، تنها تجربه تمدن‌سازی و نیز دغدغه‌های امروز نسبت به تمدن غربی و تأکید بر منحن بودن آن کافی نیست. می‌توان گفت نخستین سنگ بنای تمدن‌سازی (و در وضعیت فعلی اعتلای تمدن اسلامی). تحقق

ارتباطی با مردم، تمامی سلاح‌های دشمن در برابر نظام قرآنی و الهی جمهوری اسلامی، کند خواهد شد و مردم راهی را که آگاهانه انتخاب کرده‌اند، با اراده و همت خود طی خواهند کرد و به فضل پروردگار نظام مقدس جمهوری اسلامی این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدن اسلامی را در این کشور و در تمامی جوامع اسلامی، مستحکم کند...» [۴۰] ملت ایران مصمم است که راه سازندگی کشور را بدون اتکاء به سیاست‌های دیگران ادامه دهد... [۴۱]

این حرکت به سوی رفاه و کمال دنیایی، آخرتی، مادی و معنوی، در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد. این ملت از میدان خارج نخواهد شد... [البته] تربیت یک جامعه و یک ملت بزرگ، در طول چند سال کوتاه عملی نیست! این حادثه عظیمی که اتفاق افتاده است دیگران هم شهادت می‌دهند خود ما هم هر وقت فکر و دقت کنیم خواهیم دید کار عظیمی شده است [۴۲] البته از حق نباید گذشت خداوند این ملت را رحمت کند و برکاتش را بر این ملت روز به روز بیشتر نازل کند خداوند همه آحاد این ملت را مشمول فضل و رحمت خود قرار بدهد. از اول انقلاب تا امروز، مردم در جهت دینی خیلی پیشرفت کرده‌اند. هر پدیده‌ای را نگاه کنید، می‌بینید که این‌طور ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در... است. مساجد بهتر شده است، ماه رمضان‌ها و مجالس روضه‌خوانی بهتر شده است، شوق مردم به عتبات مقدسه و صدقات جاریه بیشتر شده است وجوهات بریه و کمک به کارهای نیک مسجدسازی، مدرسه‌سازی و ظواهر دینی بهتر شده است... عزیزان من، این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الذین ان مکنا هم فی الارض و اقاموا الصلوه» این، علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید... [۴۳]

● ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است. هر ملتی که بر محور اسلام ناب جمع شود می‌تواند در مقابل بزرگترین قدرتهای جهان بایستد ●

یک ملت هوشمند بر اساس تعمق و تأمل با شعارها برخورد می‌کند... شعار مبارزه با استکبار برای ایران اسلامی یک مسأله اساسی محسوب می‌شود. [۴۴]

ما اگر سازندگی را باز هم پیش ببریم، اما در جهت استقرار عدالت و از بین بردن تبعیض و ایجاد برابری حقوق و احیای کرامت زن



اراده یک ملت است که می‌خواهد هویتی مستقل پیدا کند و نمی‌خواهد زیر بار تمدن غربی و اراده دیگران قرار گیرد. انقلاب اسلامی ایران مهمترین دستاوردش، سامان‌دهی اراده سیاسی در کشور و تأسیس حکومت اسلامی مستقل بر مبنای نظام ولایت فقیه و رهبری روحانی و معنوی آن است. براندازی نظام استبداد شاهنشاهی که با استیلای خارجی ملازم شده بود و اساساً هویتی وابسته داشت، زمینه آزادی و عزت ملت بزرگ ما را فراهم ساخت. هویت اسلامی و ملی مردم ما که با انقلاب و معماری امام خمینی (ره) تحقق یافت سنگ بنای اعتلای مجدد تمدن اسلامی است. علامه اقبال لاهوری «فلسفه خودی» را نقطه اتکا مسلمانان در عصر جدید می‌انگارد و با شگفتی پیش‌بینی کرد که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد: ژنو مشرق زمین.

متفکرین معاصر همانند آلن دوبنوا نیز پیش‌بینی کرده‌اند که سده بیست و یکم، سده افول آمریکا و قدرت‌یابی کشورهای نو همانند چین، روسیه، هند، ایران و مصر خواهد بود. به اعتقاد وی سده بیست و یکم که هم‌اکنون در آن به سر می‌بریم سده اولویت فرهنگ بر امور سیاسی و اقتصادی خواهد بود و ملت ایران به پشتوانه فرهنگ ریشه‌دار و پربار خویش در سرنوشت امروز و فردای جهان نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت چرا که «سرنوشت جهان، نه در پیکار میان نیروهای راستگرا و چپگرا، لیبرالیسم و سوسیالیسم، بلکه در رویارویی نیروهای هویت‌گرا (دینی، قومی، ملی) و نظام تکنیک سالار غربی آمریکا مدار رقم زده خواهد شد. [۴۶]

بی‌دلیل نیست که حتی خود آمریکایی‌ها هم متوجه این نقایص فرهنگی و تمدنی خود شده‌اند و همانند «گینیریچ» [۴۷] صحبت از بازسازی تمدن آمریکا و ضرورت کارهای ایدئولوژیک در حوزه احیای این تمدن می‌نمایند.

در هر حال وضعیت به گونه‌ای است که حتی خود طراح آمریکایی «نظریه برخورد تمدن‌ها» (ساموئل هانتینگتون) معتقد است که «در دراز مدت غرب باید بیاموزد تا در دنیایی زندگی کند که رفتار [مقاومت‌ناپذیری]، ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال گذشته را، دیگر نمی‌تواند اعمال کند، نیز باید بیاموزد که خود را با دیگر تمدن‌ها وفق دهد [۴۸]

همچنین انحطاط تدریجی و ضعف تمدن غربی با جوشش و جذب بیشتر فرهنگ اسلامی در تمامی جهان همزمان شده است. جوششی که طلیعه نخستین آن در ایران بود و به ادعای بی‌بی‌سی (رادپوی دولتی انگلیس) جذابیت انقلاب اسلامی در خارج از ایران تا حدی است که بسیاری از مردم جهان حتی مسلمانان سنی مذهب هم به آن روی آورده‌اند و ایران در آستانه قرن بیست و یکم پیروان ادیان را علیه مادیگرایی غرب بسیج کرده است و آنچه در ایران رخ داده است نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهان، نقطه عطفی بود که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول‌گرایی مذهبی خبر می‌دهد. [۴۹] هم‌اینک غربی‌ها به شدت از رشد و جذب اسلام احساس نگرانی می‌کنند تا جایی که ساندی تایمز به نقل از «پیتر برایلی» مدیر اجرایی «اتحادیه تحقیقاتی مسیحیت» می‌نویسد: اسلام سریع‌ترین رشد را در میان ادیان جهان دارد و در فاصله زمانی ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ سالانه ۳۲ هزار نفر بر شمار مسلمانانی که

در غرب به مسجد می‌روند افزوده شده در حالی که هر سال ۱۲ هزار اداره کل پژوهش معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما نقر از مسیحیان «کلیسا رو» کم شده است. [۵۰]

یکی از دلایلی که موجب عطف توجه به نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی پیشقراول در اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی شده است به قول آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آن است که ایران اسلامی یک نمونه موفق انقلاب، دفاع خوب سازندگی و توسعه را در دنیا عرضه کرده است. [۵۱] این یک واقعیت است که پس از خاتمه جنگ در برنامه پنجساله اول و برنامه پنجساله فعلی گام‌های بسیار بلند و اساسی در راه توسعه کشور برداشته شده و در حوزه‌های صنعت، کشاورزی، تربیت نیروی انسانی، کشور به حد قابل قبول رسیده است. ایران هر سالی که از عمرش گذشته در عرصه ملی و منطقه‌ای به لحاظ تاثیر در جهان اسلام قدرت و نفوذ بیشتری پیدا کرده است و دشمنان ایران و اسلام زبان بدگویی و اتهامات خود را تندتر کرده‌اند. اینکه مقامات آمریکایی و اسرائیلی در سال‌های اخیر با صراحت بیشتری ایران اسلامی را متهم و محکوم می‌کنند نشانه‌ای از حضور مؤثر انقلاب و نظام است.

توسعه فعلی در ابعاد گوناگون، در حقیقت مرحله‌گذار از یک فرهنگ خلاق به یک مرحله جدید از تمدن اسلامی است و اعتلای مجدد آن را در بر دارد. البته اینکه این مرحله، و تحقق







این اعتلا در چه زمانی و با چه شرایطی محقق می‌شود جای بحث دارد. اولاً با تشکیل حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه عادل، بسیاری از موانع و علل پیشینی انحطاط جهان اسلام و تمدن اسلامی از بین رفته است و ثانیاً موانع خارجی مانند هجمه سیاسی، نظامی و فرهنگی غرب، گرچه لطماتی به انقلاب نوپای ما زد اما به هیچ وجه همانند مغول و ترک‌ها و جنگ‌های صلیبی بینه نظام اسلامی را از بین نبرد و نظام اسلامی با جان‌فشانی‌های عظیم ملت نستوه ایران از این معرکه‌های جان‌فرسا با سرافرازی بیرون آمد و دیگر خبری هم از حکمرانی و استبداد خلفای سلطان‌گونه عباسیان وامویان نیست. لذا با فقدان بسیاری از موانع، و تشکیل اولین حکومت اسلامی واقعی، زمینه بالندگی مجدد تمدن اسلامی در ایران مهیا شده است و خواه ناخواه این تمدن با محوریت توحید و اخلاق و معارف اسلامی و اهل بیت می‌بایستی به صفاتی همانند دانش‌طلبی، استقلال، تساهل، خلاقیت، حرکت با مقتضیات زمانی و مکانی، رواج آزادی مشروع، عدالت و کرامت انسانی و ... متصف شده و سعی نماید خصیصه اساسی خویش را که معنویت‌خواهی و فرهنگی بودن است حفظ نماید. البته بعضی از اندیشمندان با خوش‌بینی ( همانند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ) خبر از تحقق بالندگی مجدد تمدن اسلامی در ۱۴۰۰ هجری شمسی می‌دهند و برخی احتمال ظهور این تمدن را با توجه به انحطاط تدریجی تمدن غرب، در ۱/۵ تا ۲ قرن آینده می‌دانند. در هر صورت وعده‌های الهی حقیقی است و به یقین هر ملتی که به خدا ایمان داشته باشد و به فرمان‌های الهی گردن نهد و بر محور اسلام ناب جمع شود به تعبیر مقام معظم رهبری همانند ملت سرافراز و بااستقامت و خود باور ایران خواهد توانست حیات طیبه اسلامی را به وسیله ارزش‌های اسلامی و حاکمیت اسلام بر این کشور سایه‌افکن نماید و دیر یا زود این امر محقق خواهد شد هر چند که نشانه‌های ظهور و بالندگی فرهنگ و تمدن اسلامی در کشور ما آشکار شده است البته آفاتی در این مسیر وجود دارد و بنا به توصیه مقام معظم رهبری شرط اصلی این توفیق نوسازی معنوی مردم و تخلق به اخلاق الهی و حسنه و تلاش در جهت استقرار واقعی ارزش‌ها و احکام اسلامی است. هرچه احکام

الهی و اسلامی بیشتر محقق شود زمینه‌های اعتلای مجدد تمدن اسلامی هم بیشتر مهیا می‌شود. ضمن آنکه نظام اسلامی و مردم می‌بایستی از آفت‌های انحطاط جوامع و تمدن‌ها که در قرآن یاد شده همانند ظلم، خوشگذرانی، اسراف، تهاون و سستی در جهاد و تبعیت از رهبری و... دوری نمایند. در هر حال امیدواریم با تجدید اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی در ایران، آب‌گوارایی نیز به کام تشنه از معنویت جهانیان ریخته شده و زمینه ظهور امام غائب، مهدی (عج)، مهیا گردد. ان‌شاء...

### منابع

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و ... تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۳.
۲. مرتضی نبوی، محمد حسین ملابری، جوامع تمدن ساز، پویایی و میرایی تمدن‌ها، مجلس و پژوهش، سال ۲، ش ۷، فروردین ۱۳۷۳، ص ۱۰.
۳. جلال الدین دوانی، اخلاق جلالی، هند: ۱۸۸۹، م، ۱۳۷۰، ص ۲۷۷.
۴. خواجه‌نصیرالدین طوسی، اخلاق‌ناصری، خوارزمی، چاپ چهارم، صص ۲۸۴ تا ۲۸۵.
۵. دکتر سید جعفر سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۵، صص ۵۵-۵۶.
۶. دکتر سید جعفر سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۵.
۷. مصطفی زمانی، اسلام و تمدن جدید، تهران: کتابخانه صدر، فروردین ۱۳۴۸، ص ۳۲.
۸. امام موسی صدر، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: انتشارات غدیر، بهار ۱۳۵۴، صص ۶۴ تا ۷۸ (با تلخیص).
۹. مرتضی نبوی، محمد حسین ملابری، جوامع تمدن ساز پویایی و میرایی تمدن‌ها، صص ۱۲ و ۱۳.
۱۰. تمدنی نو، آن را بسازیم، تدبیر، شماره ۴۱، اردیبهشت ۷۳، ص ۴ و ۵.
۱۱. علامه محمدتقی جعفری، عدالت و کرامت انسانی نیروهای اصلی نگاهدارنده تمدن‌ها هستند، جام، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۳، صص ۴۹-۵۰.
۱۲. حجت الاسلام سید محمد خاتمی، امام و اصل نه شرقی و نه غربی، مجله پانزده خرداد، خرداد ۱۳۷۲، ص ۱۲.



۱۳. حجت الاسلام سید محمد خاتمی، دین در دنیای معاصر، فرهنگ و توسعه ، شماره ۱۵ آذر و دی ۷۳، ص ۴۳ و ۴۴
۱۴. همان منبع ۱۳
۱۵. همان منبع ۱۳، ص ۴۴
۱۶. حجت الاسلام خاتمی، سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه ، اطلاعات شماره ۲۱۰۰۲ مورخ ۷۵/۲/۱۱.
۱۷. علی لاریجانی، گزارشی از نخستین کنفرانس فرهنگ و تمدن اسلامی، نامه فرهنگ، سال ۳، ش ۴، زمستان ۷۲، ص ۱۶۵.
۱۸. دکتر محمود سریع القلم، قواعد تمدن سازی و آینده تمدن سازی، گزارشی از کنفرانس فرهنگ و تمدن اسلامی، نامه فرهنگ سال ۳، شماره ۴ ص ۱۶۷.
۱۹. برای تفصیل بیشتر ، ر. ک به نقطه نظرات دکتر فتح الله مجتبابی ، دکتر اعوانی ، دکتر مجتبیوی، دکتر حداد عادل ، دکتر مهدی محقق، نامه فرهنگ ، سال ۳، شماره ۴، فصل ۱۱ تا ۳۴.
۲۰. دکتر داود بوند ، حرکت به سوی آزادی و باورهای غرب ، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲ بهمن و اسفند ۷۴، ص ۲۳
۲۱. سید عطاء الله مهاجرانی ، تمدن نوین اسلامی ، راهبرد ، شماره ۱۲، زمستان ۷۵، صص ۱ تا ۷.
۲۲. مهاجرانی ، تمدن نوین اسلامی ، راهبرد ، شماره ۱۲، زمستان ۷۵، صص ۳ و ۴
۲۳. جوانان و تمدن اسلامی، گفتگو با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سروش . شماره ۸۲۷، مورخ ۷۵/۱۲/۱۱، صص ۶ و ۷.
۲۴. بیانات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی. تلفکس، شماره ۱۱-۰۲۷-۰۲۷ مورخ ۷۴/۱۱/۲۷ خبرگزاری ج.ا.ا.
۲۵. بیانات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، رسالت ، شماره ۳۲۱۹ مورخ ۷۵/۱۲/۲
۲۶. بیانات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، همشهری ، شماره ۱۱۹۲ مورخ ۷۵/۱۱/۲۲
۲۷. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران : وزارت ارشاد اسلامی ، ج ۱، ص ۸۷ ( تاریخ بیانات ۴۴/۶/۱۸ )
۲۸. امام خمینی (ره)، صحیفه نور ، تهران : وزارت ارشاد اسلامی ، ج ۸، صص ۳ و ۴.
۲۹. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ج ۸، ص ۶۳
۳۰. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران : وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۹۶
۳۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ج ۴، ص ۲۶۲
۳۲. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران : وزارت ارشاد اسلامی، ج ۵، ص ۱۲۹
۳۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور ، تهران- وزارت ارشاد اسلامی، ج ۴، ص ۴۹
۳۴. ایران، شماره ۶۷۳ مورخ ۷۶/۳/۱۲.
۳۵. بیانات مقام معظم رهبری در سالروز ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) در ۷۵/۵/۱۳، تلکس شماره ۷۲-۱۳-۵-۷۵. اداره کل پژوهش معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما
۳۶. بیانات مقام معظم رهبری، همشهری - ۷۵/۸/۲.
۳۷. بیانات مقام معظم رهبری، همشهری شماره ۱۲۱۴، مورخ ۷۵/۱۲/۲۰
۳۸. بیانات مقام معظم رهبری، رسالت، شماره ۳۲۹۷، مورخ ۷۶/۳/۱۷
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری، همشهری، شماره ۱۲۱۴، مورخ ۷۵/۱۲/۲۰
۴۰. بیانات مقام معظم رهبری، همشهری، شماره ۱۲۴۰، مورخ ۷۶/۲/۷
۴۱. بیانات مقام معظم رهبری، اطلاعات، شماره ۲۱۰۰۸، مورخ ۷۵/۱۲/۱۹
۴۲. بیانات مقام معظم رهبری، کیهان، شماره ۱۵۸۳۵، مورخ ۷۵/۱۰/۲۰
۴۳. بیانات مقام معظم رهبری، کیهان شماره ۱۵۸۳۵، مورخ ۷۵/۱۰/۲۰
۴۴. بیانات مقام معظم رهبری، ایران، شماره ۵۱۱، مورخ ۷۵/۸/۱۰
۴۵. بیانات مقام معظم رهبری، اطلاعات، شماره ۲۱۰۰۸، مورخ ۷۵/۱۲/۱۹
۴۶. آلن دوتنوا. وداع با قرن بیستم. ترجمه شهروز رستگار. اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۰۶ و ۱۰۵ - خرداد و تیر ۷۵، صص ۱۷ و ۱۶.
۴۷. رئیس قوه مقننه یا به عبارتی ریاست مجلس نمایندگان کنگره آمریکا و از سرسخت ترین مخالفان نظام جمهوری اسلامی.
۴۸. تبردگاه آینده - گفتگو با ساموئل هانتینگتون ، کلک ، ش ۴۲، شهریور ۷۲، ص ۱۴۶.
۴۹. کیهان، شماره ۱۵۸۶۶ مورخ ۷۵/۱۱/۲۹.
۵۰. ایران، شماره ۶۵۵ مورخ ۷۶/۲/۲۲.
۵۱. جمهوری اسلامی، شماره ۵۱۵۶، مورخ ۷۶/۱/۹.